

# Criticism of the Continuation Style of ”Criminal Policy “Academic Researches

Mahdi Khaghani Esfahani<sup>1</sup>

## Abstract

**Introduction:** Not only bibliographic research, but also coherent and significant essay analysis was not found in the academic writings of Iran in the field of criminal policy, which is one of the specialized fields of criminal law and criminology. Developing a native theoretical system for thinking about Iran’s criminal policy is dependent on criticizing the current state of research in this interdisciplinary criminal knowledge. Realistic and measurable criminal policy-making is not possible without analyzing the obstacles to the evolution of criminal policy knowledge and its manifestations in Iran’s criminal justice system.

**Method:** This article uses the qualitative content analysis method to collect information from the phishing tool from sources focusing on “Criminal Policy” academic books in the field of law and the data analysis method is critical content analysis.

**Results:** The present research, by the method of critical analysis in the context of bibliography, while examining the effect of the weakness of problem-finding research in criminal science on the disruption in the development of criminal policy knowledge, reflects the theology of science policy on the difference in the content of criminal policy research at the macro level - and not in the scope of statistical scientology of these researches.

**Conclusion:** The continuation of the publication of non-concrete articles on the principles and structure of criminal policy in the name of criminal policy prevents the exploitation of the opportunity arising from the approach of the new law curriculum (approved by the Ministry of Justice) to the knowledge of criminal policy. It also aggravates the problem of non-native translationism and the problem of equating the modern institutions of Western criminal policy with the traditional concepts of criminal law. This paper provides solutions to strengthen the knowledge and necessary action to monitor the scientific outputs bearing the title of criminal policy in Persian legal literature. This topic will help to formulate the policy-making system of criminal policy knowledge, modify the headings of criminal policy course units and textbooks, and provide scientific support for criminal policy-making institutions and activists.

**Key words:** Books on Criminal Policy, Scientometrics, Theology of Knowledge, Indigenization of Law

1. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, The Institute for Research and Development in Humanities (SAMT), Tehran, Iran.khaghani@samt.ac.ir

## نقد سبک گسترش نوشتگان دانشگاهی «سیاست جنایی»

مهدی خاقانی اصفهانی<sup>۱</sup>

پذیرش ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

### چکیده

مقدمه: نه تنها پژوهش کتاب‌سنجی، بلکه مقاله‌سنجی منسجم و چشم‌گیری در نوشتگان دانشگاهی ایران در قلمرو دانش «سیاست جنایی» که یکی از قلمروهای تخصصی رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی است به چشم نمی‌آید. پی‌ریزی یک سامانه نظری بومی برای اندیشه‌ورزی در سیاست جنایی ایران، در گرو نقد وضعیت کنونی پژوهش در این دانش جنایی بینارشته‌ای است. سیاست‌گذاری جنایی واقع‌نگر و پایش‌پذیر، بدون تحلیل موانع رَسش دانش سیاست جنایی و نموده‌های آن در نظام عدالت جنایی ایران ممکن نیست. روش: این مقاله به روش تحلیل محتوای کیفی، جهت گردآوری اطلاعات از ابزار فیشبرداری از منابع با تمرکز بر کتابهای دانشگاهی «سیاست جنایی» در رشته حقوق بهره‌جسته و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل انتقادی محتوا است.

یافته‌ها: پژوهش حاضر، با رویکرد کتاب‌سنجی، ضمن بررسی تأثیر ضعف مسأله‌یابی پژوهش در علوم جنایی بر خلل در توسعه دانش سیاست جنایی، بازتاب الهیات سیاست‌گذاری علم بر تفاوت محتوای پژوهش‌های سیاست جنایی را در سطح کلان - و نه در بازه علم‌سنجی آماری این پژوهش‌ها - تحلیل می‌کند. نتایج: تداوم نشر نوشتارهای نامبتنی بر اصول و ساختار سیاست جنایی به اسم سیاست جنایی، مانع بهره از فرصت پدیدآمده از روی‌آوری برنامه‌درسی جدید رشته حقوق (مصوب وزارت عتف) به دانش سیاست جنایی می‌گردد و روند ترجمه‌گرایی غیربومی و این همان‌انگاری نهادهای مدرن سیاست جنایی غربی با تأسیسات سنتی حقوق کیفری ایران را دامن می‌زند. این مقاله، راهکارهایی جهت تقویت دانش و کنش بایسته برای پایش بروندادهای علمی حامل عنوان سیاست جنایی در نوشتگان حقوقی فارسی ارائه می‌دهد. این مهم، یاریگر تدوین نظام سیاست‌گذاری دانش سیاست جنایی، اصلاح سرفصل واحدهای درسی و کتاب درسی سیاست جنایی، و پشتوانه علمی نهادها و کنشگران سیاست‌گذاری جنایی خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** کتب سیاست جنایی، علم‌سنجی، الهیات دانش، بومی‌سازی حقوق

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، تهران، ایران.

سیاست‌گذاری جنایی، از جمله موضوعات پیچیده حکمرانی است که عوامل پرشمار تأثیرگذار، ساحت‌های وسیع، کنشگران متعدد و پیامدهای فراوان دارد. در سیستم‌های پیچیده، به‌منظور کنار آمدن با پیچیدگی بیش از اندازه، نیاز به در نظر گرفتن ساختارهایی مناسب است، نه ساختارهای متمرکز و نه غیرمتمرکز، بلکه ساختارهایی با توازن صحیح که قادر به سازگاری با تنوع محیطی باشند و نظام معنایی و ابزارهای مادی و انسانی مناسب جهت چالش‌یابی ساختاری و کارکردی و پایشگری پویا داشته باشند تا بتوانند به مانایی حکمرانی مدد برسانند. سیاست جنایی، از جمله پیچیده‌ترین سیستم‌های شناختی - رفتاری در ساحت حقوقی حکمرانی عمومی است.

در هیچ دوره و زمانی، هیچ گروهی با دیدگاه منسجمی که بتوان بر آن نام «مکتب سیاست جنایی ایران» یا حتی «سیاست جنایی ایران» گذاشت، طراحی و اجرای راهبردهای عدالت جنایی را در قالب علمی سیاست‌گذاری جنایی تمشیت ننموده‌اند. مبنای تصمیم‌گیری‌های شبیه به سیاست جنایی، سیاست‌گذاری‌ها در حوزه عدالت جنایی و اداره امور کلان پیشگیری و پاسخ‌گذاری نسبت به تخلفات خطیر و جرایم در دهه‌های اخیر، اقتضای شرایط حاکم بر کشور و فهم برنامه‌ریزان و مجریان امور انتظامی و کیفری بوده است، در نتیجه بسیار طبیعی - و البته ناگوار - بوده که با توجه به تنوع تفکرات و سیاست‌ها و مدیران حاکم بر امور عدالت جنایی کشور، نوسان‌های تقنینی گسترده، ابهام در اولیة‌های مسائل حقوق کیفری (از جمله وضعیت رعایت و حرمت‌نگه‌داشتن برای اصل قانونی‌بودن جرایم و مجازات‌ها توسط خود قانون‌گذار و اصل عطف بماسبق‌نشدن قوانین کیفری و...)، عدم روش‌مندی علمی در سیاست‌گذاری جنایی و مشکلات در فهم نظام مسائل سیاست جنایی و چالش‌های فراوان دیگر، به‌رغم همه پیشرفت‌های حقوقی تحسین‌برانگیز، اما کمتر از حد صدق وجود یک «سیاست جنایی» برای ایران، دشواره‌ای در کنار دشواره‌های متعدد دیگر که ملت و دولت با آن مواجهه دیرپا و کهن دارند، پدید آمده که همانا «دشواره‌های سیاست جنایی» - به‌ویژه دشواره رابطه نص و واقعیت اجتماعی - است.

پی‌ریزی یک دستگاه نظری قابل اجرا در سیاست جنایی، مستلزم آسیب‌شناسی وضعیت کنونی پژوهش در حوزه سیاست جنایی است. توسعه حقوقی نیازمند تحلیل درست رابطه موجود و مطلوب مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در ساحت نظری با بازیگران میدان عمل حقوقی است. چنین تحلیلی باید از بررسی انتقادی فضای پژوهش سیاست جنایی - که منشأ ایده‌برداری و تصمیم‌گیری از سوی متولیان سیاست‌گذاری جنایی است و خوراک علمی و رهنمود عملی به آن‌ها می‌دهد - آغاز شود.

در میان گونه‌های بروندادهای پژوهشی، اعم از کتاب، مقاله، رساله، طرح پژوهشی و...

کتاب (اعم از درسی و کمک‌درسی، مبنایی و پژوهشی) اهمیت بسزایی در سیر پیشبرد دانش در نوشتگان علمی دارد. کتاب‌های درسی دانشگاهی، سنگ‌بنای محتوای آموزشی دروس مقاطع تحصیلی دانشجویان و شکل‌دهنده نظام باورهای علمی آنان است. کتاب دانشگاهی هم مهم‌ترین و پرکاربردترین رسانه آموزشی در تحصیلات عالی است که در نظام‌های دانشی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ایران، کتاب دانشگاهی، حتی نقش جهت‌دهی به فعالیت‌های اساتید دانشگاه‌ها را ایفا می‌کند و اغلب مدرسان، کتاب درسی هر عنوان درسی را برنامه همان درس می‌دانند.

یکی از ضروری‌ترین نیازهای مدیریت در آینده، روش‌هایی برای اندیشیدن تحول‌آفرین در سیاست‌گذاری دانش است و این اندیشیدن با نوآوری در خوشه‌بندی دیسپلین‌ها و رشته‌های دانشی جدید - که سیاست جنایی و گرایش‌های نوپدید آن، از همین جمله‌اند - و خلاقیت نظام‌مند و عمیق محقق می‌گردد، باید مسیر پیش رو برای خلاقیت هموار گردد و این مهم از طریق ارزیابی وضعیت دانش سیاست جنایی در ایران و به‌ویژه کتب دانشگاهی درسی و مبنایی تألیف‌یافته و ترجمه‌شده در زمینه سیاست جنایی، شدنی است. از این رو سیر «ورود و گسترش» - نه لزوماً تحول و توسعه - ادبیات سیاست جنایی از نوشتگان حقوقی فرانسه به پژوهش‌ها در ایران، از آن جهت که تبارشناسی این دانش وارداتی به کشور را می‌کاود و تمهیدی برای نقد کتاب‌ها و مقالات سیاست جنایی به‌شمار می‌رود، گرچه موردکاوی انتقادی کتاب‌ها و مقالات سیاست جنایی، در معنای جزئی و خاص، موضوع این مقاله نیست و پژوهش‌های مستقلی را می‌طلبد.

جستار حاضر، براساس این فرضیه که تصحیح مسیر توسعه دانش سیاست جنایی در ایران، الگوی بومی‌سازی آن و انتظام‌بخشی به ساختار مدخلیت دستاوردهای دانش سیاست جنایی در سیستم تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران جنایی در عرصه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی، در گرو تحلیل انتقادی سیر گسترش نوشتگان سیاست جنایی در نظام آموزش و پژوهش حقوقی است، ضعف مسأله‌مندی در نوشتگان سیاست جنایی را ناشی از عواملی می‌داند که در رأس آن‌ها باید به تأثیر ابهام در الهیات سیاست‌گذاری علم و بازتاب آن در تفاوت محتوای دانشی سیاست جنایی غربی، اسلامی و بومی (الگوی اسلامی - ایرانی سیاست جنایی) اشاره کرد. فقدان مطلق مطالعات علم‌سنجی بر بروندادهای پژوهشی قلمرو سیاست جنایی، مانع تدریس و فراگیری صحیح دانش سیاست جنایی در ۸ واحد درس نظری تخصصی مقرر در برنامه درسی جدید (مصوب ۱۴۰۱ وزارت عتف) کارشناسی ارشد رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی به‌نظر می‌رسد و شرایط را برای توسعه سیاست جنایی به‌سوی تأسیس رشته عدالت‌پژوهی با گرایش‌های متعدد فراهم نمی‌کند.

وانگهی تدوین نظام سیاست‌گذاری دانش سیاست جنایی، در گرو اصلاح سرفصل

واحدهای درسی سیاست جنایی در برنامه درسی رشته حقوق (گرایش / مقطع‌های حاوی عنوان سیاست جنایی) است و آن خود وابسته به اصلاح محتوای برخی کتاب‌های سیاست جنایی در مرحله ویراست جدید برای بازنشر و راهنمایی به مؤلفان تازه‌قلم برای پژوهش در قلمرو سیاست جنایی است. همچنین راهنمایی به نهادهای سیاست‌گذار جنایی در انتخاب پژوهش‌های موردنیاز جهت حمایت و دانش‌افزایی در راستای ارتقای عملکرد نهادی و تقویت پشتوانه علمی تصمیم‌گیری‌ها در حوزه سیاست جنایی، کاربران این پژوهش را به دو دسته نهادهای سیاست جنایی و پژوهشگران سیاست جنایی قابل تقسیم می‌نماید: ۱- شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت عتف، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور وزارت عتف، پژوهشکده سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشگاه شریف، مرکز مطالعات سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران، دانشکده حکمرانی دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی؛ ۲- پژوهشگران رشته‌های قلمرو علوم جنایی (به‌ویژه در گرایش‌های تحصیلی و حیطه‌های مطالعاتی حقوق جزا و جرم‌شناسی، حوزه سیاست جنایی، مدیریت اصلاح و کیفرهای قضایی) و حقوق عمومی، سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری علم و فناوری، فلسفه علم، علوم تربیتی (گرایش برنامه‌ریزی درسی).

### پیشینه پژوهش، کاربردها و محدودیت‌ها

ویتمن (۲۰۰۳) از طریق مقایسه سوابق سیاست‌های کیفری در فرانسه و آمریکا به بررسی این موضوع پرداخته که چرا طی ربع آخر قرن گذشته، آمریکا حرکت اصولی و نظام‌مندی را به‌سوی افزایش خشونت با بیشترین تدابیر نشان داده است، درحالی‌که در قاره اروپا این‌گونه نیست (نیوبورن و تریوور، ۱۳۹۴: ۲۹). پاسخ وی تا اندازه‌ای بر پایه این واقعیت بوده که سیاست‌گذاری کیفری در فرانسه و آلمان تقریباً جدا از مطالعات تنبیهی عموم مانده است، به‌ویژه زمانی که با فضای ناآرام کیفری آمریکا مقایسه شده است. «پیرامون وضعیت سلسله مراتب اجتماعی و مجازات، مطالعه این واقعیت که چگونه در فرانسه و آلمان، فرایند تعدیل رو به رشدی وجود داشته است که در آن، به‌تدریج تقریباً همه زندانیان مورد احترام واقع شده‌اند و به‌طور متعادل با آن‌ها رفتار شده است، اما برعکس، مجازات‌ها در آمریکا - به‌ویژه کیفر حبس در زندان‌های فدرال - عمدتاً تزدیلی بوده و هست، به «نظام حقوقی ایران نیز که برای حل مسائل و چالش‌های نظام عدالت کیفری، همواره از سیاست‌های کنترل جرم انتقالی، اعم از کُنشی و واکنشی در سیاست جنایی خویش الهام گرفته است» (کوهی اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۰۵). در پیشگیری از اقتباس ناکارآمد و پیوند حقوقی ناموفق

دستاوردهای سیاست جنایی غربی به سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند. دریافت علمی مزبور در مقایسه کیفرشناسانه سیاست جنایی آلمان و فرانسه با سیاست جنایی آمریکا، نشانگر این واقعیت است که وجود همزمان عناصر همگرایی و واگرایی بین کشورها و مناطق، ناشی از تعامل پیچیده بین قوای محلی، ملی و بین‌المللی در بساخت آرایش پویای سیاست جنایی می‌باشد.

سیر تحول سیاست جنایی در کشورهای پذیرنده این سیاست‌ها و الهام‌گیرنده این سیاست‌ها از کانون‌های جهانی تولید دانش و رویه سیاست جنایی، وابسته به مؤلفه‌های مختلف سیاست‌گذاری جنایی از قبیل اهداف سیاسی، محتوا، ابزارها، برنامه‌ها، نهادها، ایدئولوژی‌ها، ایده‌ها و نگرش‌ها و خصوصاً مدل‌های سیاست جنایی است.

از لحاظ پیشینه پژوهشی، تحقیقی یافت نشد که به موضوع نقد کتاب‌ها یا دیگر انواع پژوهش‌ها (مقاله‌ها، رساله‌ها، طرح‌های پژوهشی و...) در موضوع سیاست جنایی در ایران پرداخته باشد، اما در موضوع سیر گسترش دانش سیاست جنایی در ایران و نیز در موضوع آسیب‌شناسی نظام آموزشی رشته حقوق در ایران، مقالاتی منتشر شده است که البته این مقالات، فاصله بسیار زیادی از موضوع پژوهش حاضر - که بی‌رقیب است - دارد.

موسوی‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) در کتاب «جستاری در کلیت سیاست جنایی در سرگردانی سیاست جنایی ایران» که توسط انتشارات امجد (یک ناشر عمومی غیرحقوقی) منتشر شده است، براساس ایده یک مقاله مشهور قدیمی با عنوان «سیاست جنایی سرگردان»، به بررسی اجمالی تنها یک جلوه از سرگردانی‌های سیاست جنایی ایران - معضل قوانین متروک - پرداخته و کوشیده است مقدمه‌ای بر بررسی تعارض‌های تئوریک همپوشان در ماهیت سیاست جنایی ایران بنگارد. خاقانی اصفهانی (۱۳۹۹)، در مقاله «نقش نارسایی‌های برنامه درسی رشته حقوق در کاهش اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان حقوقی» که در کتاب مقالات «چهاردهمین کنفرانس ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام‌های دانشگاهی» - منتشره به همت دانشگاه خوارزمی - چاپ شد، برخی از اشکالات ساختاری و محتوایی برنامه درسی دوره کارشناسی حقوق را مؤثر در تشدید چالش کلان اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان حقوقی دانسته است. صفایی و کاظمی (۱۳۹۳) در مقاله «آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش علم حقوق در ایران و راهکارهای مقابله با آن» که در شماره ۲ از دوره ۵ فصلنامه «مطالعات حقوق تطبیقی» در دسترس است، برخی مشکلات آموزش و پژوهش دانشگاهی که اختصاص به رشته حقوق هم ندارد و شامل چالش‌هایی در اغلب رشته‌ها است، را برشمرده و تیتروار راهنمودهای کلی ارائه کرده‌اند. وحدتی شبیری (۱۳۹۱)، در مقاله «آسیب‌شناسی رشته حقوق در ایران» که در شماره ۱۹ فصلنامه «راهبرد فرهنگ» به زیور طبع آراسته شده نیز کم‌وبیش به‌سان مورد قبلی پیشینه، برخی مشکلات رشته حقوق را توضیح داده، البته که حجم یک مقاله امکان تحلیل عمیق

و حتی مجال برشمردن همه این مشکلات را نمی‌دهد، لذا مقاله قدیمی و مروری مزبور، ماهیت درآمد بر بحث و آشنایی با مشکلات رشته حقوق را دارد و هرگز وارد مسائل بغرنج منابع درسی علوم جنایی و خصوصاً سیاست جنایی نشده است.

موارد مذکور به‌عنوان پیشینه‌های کلی پژوهش - چه، پیشینه خاصی برای این مقاله به فارسی یافت نشد و حقیقتاً مقوله ارزیابی انتقادی پژوهش‌های سیاست جنایی، بسیار کم‌پژوهیده و مغفول بوده است - حکایت از محدودیت‌های جدی پژوهش در عرصه سیر توسعه دانش سیاست جنایی در ایران دارد. توضیح آنکه، پروبلماتیک نوشتن دانشگاهی، روایتگر موانع معرفتی، اداری، آموزشی، پژوهشی و... است که فعالیت فکری مولد جهت توسعه شایسته دانش سیاست جنایی و بومی‌سازی هنجارهای غرب‌آفریده آن با مختصات نظام عدالت جنایی ایران را به چالش می‌کشد. شناساندن نوشته‌های پرشمار غیرمولد در قلمرو سیاست جنایی، کنش شجاعانه‌ای می‌طلبد که البته نگارنده ادعای اتّصاف به این فضیلت را ندارد. نوعی فشار هنجاری آمیخته با ادب شاگردی، حالتی بغرنج در تنیدگی با میل به طرح ایده نو و پیمودن راه در ورطه تاریخ علم‌سنجی سیاست جنایی در نوشتگان ایرانی در راقم این سطور خلق کرده است. «مسأله‌مندی» کتاب‌سنجی در سیاست جنایی، چنان حیاتی و نسل‌ساز به نظر می‌رسد که سینه را سپر بلا می‌کند.

در مجموع، به‌جز چند پژوهش بنیادی که در آن‌ها مبانی اسلامی سیاست جنایی به نیکی ارزیابی و حوزه‌های معرفتی عدالت کیفری اسلامی در ساختار تحلیلی سیاست جنایی بررسی شده است، اغلب پژوهش‌ها یا ماهیتی صرفاً فقهی دارند یا غربی یا در آن‌ها مطالعه اجزا و سطوح نظام سیاست جنایی به‌طور جزئی و موردی مد نظر قرار گرفته است. این، چالشی از حیث کاربردپذیری دانش تولیدی در حوزه سیاست جنایی در ایران است. «با وجود اهمیت غیرقابل انکار رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در تکمیل مارپیچ چهارگانه - دانشگاه، دولت، جامعه و صنعت - ماهیت متفاوت آن‌ها که کمتر متعین و سنجش‌پذیر و بیشتر کیفی و راهبردی هستند، تدارک سازوکارهای متفاوتی را برای حرکت به سمت کاربردی‌شدن ایجاب می‌کند. سطح آمادگی فناوری، معیاری پرکاربرد برای تعیین قابلیت کاربردی‌شدن دستاوردهای یک پژوهش در رشته‌های فنی - مهندسی و پزشکی است.

وضعیت برون‌دادهای پژوهشی دانشگاه و مؤسسات پژوهشی ایران در حوزه موضوعی سیاست جنایی از منظر علم‌سنجی از حیث شاخص‌های آلتمتریکس<sup>۱</sup> و شاخص‌های مبتنی بر استناد، براساس داده‌های پایگاه‌های اطلاعاتی اسکوپوس طی بیست‌سال گذشته - تقریباً از ابتدای دهه ۱۳۸۰ خورشیدی با انتشار کتاب‌های سیاست جنایی در کشور -

1.. Altmetrics

قابل تحلیل و البته بسیار دشوار است. شاخص‌های میانگین استناد<sup>۱</sup>، میانگین مشاهده<sup>۲</sup>، اثرگذاری وزن‌دهی شده در سطح رشته<sup>۳</sup>، درصد مقاله‌های پراستناد<sup>۴</sup>، درصد مقاله‌های حاصل از مشارکت علمی بین‌المللی<sup>۵</sup> و درصد مقاله‌های منتشر شده در مجله‌های برتر<sup>۶</sup>، البته قابلیت علم‌سنجی مقالات در هر موضوعی از دانش‌های مختلف - از جمله در موضوع سیاست جنایی در علوم جنایی - را امکان‌پذیر می‌نماید، اما کتاب‌های دانشگاهی در ایران هنوز به پایگاه‌های جهانی کتاب‌های الکترونیکی - حتی به Google play books - متصل نشده و شناسگر شی دیجیتالی<sup>۷</sup> ندارد، لذا از بین ابزارهای بسیار متنوع علم‌سنجی، تنها می‌توان با ابزارهای محدود کتاب‌سنجی - آن هم محدودتر از ابزارهای جهانی کتاب‌سنجی - پایش شوند.

محدودیت فاحش کتاب‌سنجی<sup>۸</sup> نسبت به علم‌سنجی<sup>۹</sup> - که عموماً بر مدار سنجش مقاله‌ها استوار است - آنگاه که قلمرو موضوعی سنجش، علوم انسانی و آن هم به زبان فارسی و به‌ویژه در دانش جدیدی به نام سیاست جنایی در نظر گرفته شود، سختی پژوهش بر ویژگی‌های نظام دانش سیاست جنایی در ایران را به ذهن متبادر می‌کند. لاهیکاین<sup>۱۰</sup> در مطالعه‌ای با موضوع آلت‌ریکس در علوم اجتماعی و علوم انسانی، با به‌کارگیری نرم‌افزار پلام‌یکس، نتایج پروژه آلت‌متریکس کتابخانه دانشگاه هلسینکی را بررسی نمود و نشان داد از آنجا که اغلب موضوع‌های مهم در دو قلمرو علوم اجتماعی و علوم انسانی، محلی بوده و پژوهش‌های آن‌ها به زبان غیرانگلیسی منتشر می‌شوند، ابزارهای آلت‌متریکس این دو قلمرو را برخلاف حوزه‌هایی مانند پزشکی، علوم طبیعی و علوم فنی و مهندسی پوشش نمی‌دهند (لاهی‌کاین، ۲۰۱۶). نیاز به تخصص علم‌سنجی به‌ویژه کتاب‌سنجی، نمایه‌نشده برخی کتاب‌های سیاست جنایی در پایگاه‌های داده، پراکندگی و نامتصل بودن به هم در این پایگاه‌ها و نیز نیاز به تخصص در حوزه نقد کتاب، از دیگر محدودیت‌ها و دشواری‌های انجام این پژوهش است.

1. Citation per Publication
2. View per Publication
3. Field-weighted Citation Impact
4. Papers Cited-Highly of Percentage
5. Percentage of paper Published Through International
6. Percentage of paper Published in High-Quality Journals
7. DOI: Identifier Object Digital
8. Bibliometrics
9. Scientometrics
10. Lahikainen

## مبانی نظری دانش‌شناسی سیاست جنایی در وضع فقدان پایش توسعه این دانش

علوم انسانی نوین، در محمل روش اثبات‌گرایانه وارد کشور ما شد و علوم انسانی بر ما عارض گردید و گسترش آن در ایران بدون ظرفیت‌شناختی و مهارت دانشی متناسب با سنت ما و زیست‌بوم و آگاهی تاریخی ایرانی - اسلامی تداوم یافته است. این علوم انسانی از پس اولین وظیفه علوم انسانی که رصد تجربه زیسته و آگاهی ساخته در دل یک سنت هست بر نمی‌آمد، راهی به جهان ایرانی نمی‌توانست بگشاید یا دست کم، بسیار کمتر از آنچه نیاز بود، می‌توانست بگشاید. از این رو تا حدودی به دلیل سلطه تجربه‌گرایی محض و تأکید بر پیروی از پوزیتیویسم و اجتناب از تفسیرگرایی، از نقد فاصله گرفت.

سرآغاز پیدایش دانش سیاست جنایی، تولد پاره‌ای پرسش‌های جدید بر دستگاه‌های عدالت کیفری و تلاش برای پاسخگویی بدان‌ها است که تدریجاً توسعه و تکامل می‌یابد و با انضمام به بخشی از میراث علوم جنایی موجود، سرانجام در هیأت علمی مستقل و البته تعامل‌گر با دیگر علوم جنایی (و در سطح گسترده و گسترده‌تر، در تعامل با علوم حقوقی، حقوق انسانی و دیگر دانش‌ها) سامان می‌پذیرد. سابقه کاربرد عنوان «سیاست کیفری» یا مفاهیم مشابه آن در ایران به سخنرانی دکتر احمد متین‌دفتری در سال ۱۳۱۴ بازمی‌گردد که عبارت «سیاست جزایی» را به کار می‌برد و شامل اجرا و اعمال نهادهای مختلف حقوق کیفری در مقابله با جرم است و همان مفهوم سیاست کیفری است (لازرژ، ۱۴۰۰: ۲۵). دکتر علی‌آبادی، دکتر صدارت، دکتر کی‌نیا، دکتر معتمد و دکتر مظلومان نیز طی دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی اصطلاح سیاست جنایی را گاهی معادل *Politique Criminelle* به کار برده و گاه سیاست کیفری را به همین واژه نسبت داده‌اند (غلامی، ۱۳۹۹: ۶۲۷).

قدر مشترک تعاریف مدرن از سیاست جنایی آن است این علم ناظر بر مطالعه فعالیتی است که دولت در زمینه پیشگیری و سرکوبی جرایم بسط و گسترش می‌دهد. سیاست جنایی، علاوه بر قواعد حقوقی، شامل عملکرد نهادهای گوناگونی که اجرای قواعد مزبور را بر عهده دارند نیز می‌گردد. این نهادها عبارتند: پلیس، دادسرا، دادگاه‌ها، اداره زندان‌ها، اداره آموزش و تربیت مراقبتی مجرمان، نهادهای پیشگیری بزهکاری و ادارات خدمات اجتماعی» تعریف میکنند. اصطلاح سیاست جنایی از نظر لغوی به معنای تدبیر و تدبیر و چاره‌اندیشی برای دیده مجرمانه که در قلمرو سیاست جنایی، شامل کجروی و بزهکاری می‌شود، آمده است. سیاست جنایی، در واقع اعمال پاسخ‌های گوناگون در قالب آئین‌ها و شیوه‌های متنوع دادرسی معمول در شعب مختلف نظام حقوقی و نیز جامعه مدنی است (دل‌سامارتنی، ۱۳۹۸: ۴۱). منظور از پاسخ‌های گوناگون اعم از کیفری و پیشگیرانه است که به روش‌های متنوعی پیاده می‌شوند؛ یعنی برای اجرای پاسخ، با یک شیوه اجرا مواجه نیستیم، بلکه پاسخ‌ها هم به روش سنتی و در قالب مجازات و هم به شکل‌های نوین‌تر (مثل میانجیگری کیفری، صلح،

سازش و...) اجرا می‌شوند و منظور از شعب مختلف نظام حقوقی، تقسیم نظام حقوقی به کیفری و غیر کیفری است.

سیاست جنایی، به مثابه مدیریت اقدام در قبال بزهکاری، حول هسته کهن و سخت و پایداری به نام سیاست کیفری نضج و بسط یافته است. سیاست کیفری ماهیتی کاملاً حقوقی- اخلاقی دارد و پس از تحول پارادایم‌های عدالت کیفری از «رویکرد تشدید کیفر: جرم‌مداری» به «رویکرد اصلاحی درمانی: مجرم‌مداری» و سپس به سوی «رویکرد حمایتی: بزه دیده‌مداری» و مجدداً بازگشت به «رویکرد عدالت کیفری استحقاقی امنیت‌گرا و آزادستیز» گذار یافته و بسیار گسترده‌تر از مفهوم مضیق سیاست کیفری شده است.

اگرچه در یک نگرش کلاسیک به سیاست جنایی، سیاست کیفری هسته سیاست جنایی دانسته می‌شود اما تحولات بنیادی در عرصه سیاست جنایی به قدری علم سیاست جنایی را میان‌رشته‌ای کرده است که دیگر به سختی میتوان صحبت از یک هسته سخت کیفری کرد که حول آن، تعاملات کمرنگی میان علوم معین سیاست جنایی برقرار باشد. دلیل این تحول بنیادین را از یک سو باید در جهانی‌تر شدن و شبکه‌هایتر شدن علوم و اندیشه‌های بشری، و از دیگر سو در تغییر مبانی این علوم، آنچه‌ان که برای مثال، در سیاست جنایی، هسته اولیهای با نام حقوق کیفری وجود داشته که بر اساس برداشته‌ای بسیار انتزاعی از جرم و مجازات، همواره با جرمانگاری افراطی و پافشاری بر کیفرهای ناکارآمد موجب بحران تورم کیفری شده و حقوق و آزادیهای فردی را صدمه زده و امنیت‌گرایی معقول و مفیدی نیز نتوانسته به بار بنشانند. سیاست جنایی، امروزه، بر پایه تجربه‌ی نه‌چندان موفق سیاست کیفری، می‌کوشد مبنای حقوق خود را با پیروی محض از مبنای حقوقی حاکم بر سیاست کیفری که سوءتفسیر و تفسیر حداکثری از الزام‌آوری اخلاقی و تمرکز بر ارباب و سزادهی و کم توجهی به ارزشهای اجتماعی بود استوار نسازد، بلکه با مشارکت دادن نیروهای اجتماعی در کنار مأموران و مسئولان نظام عدالت کیفری رسمی در مسیر مشارکتی کردن سیاست جنایی گام بردارد و سیاست کیفری متمایل به جرمانگاری بیرویه را مهار کند. اولین و مهمترین گام در این مسیر، ترسیم مبانی جرمانگاری و اصول جرمانگاری به عنوان مبنای حقوقی سیاست جنایی است.

بیش از دو دهه است تعریف غالب از سیاست جنایی، تعریف ترجمه‌شده از می‌ری دلماس مارتی<sup>۱</sup> - حقوقدان فرانسوی - است: «مجموعه روش‌هایی که به وسیله آن، بدنه اجتماعی (هیأت اجتماع: دولت و ملت) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازماندهی می‌کند» (پیشین: ۳۴). با وجود این، به نظر می‌رسد از آنجا که تعریف دلماس مارتی از سیاست جنایی، فقط ناظر به «مجموعه روش‌ها» است، این تعریف را نمی‌توان کامل‌ترین و جامع‌ترین

1. Mireille Delmas-Marty

تعریف برای سیاست جنایی دانست، زیرا سیاست جنایی را «مجموعه روش‌ها: یعنی فن و تکنیک» دانسته است و نه منظومه‌ای معرفتی و حوزه‌ای مفهومی و تحلیلی از دانش. دلماس مارتی به این نکته توجه کافی ندارد که ماهیت سیاست جنایی باید در تعریف سیاست جنایی ذکر شود، نه فقط دایره موضوع‌ها و ابزارهای آن (یعنی مجموعه روش‌های اقتناعی و سرکوبی). هر اندیشیدن و عمل‌کردنی در مواجهه با جرم و انحراف را نباید ذیل دانش سیاست جنایی تعریف کرد. دست‌کم دو دهه است آثار می‌ری دلماس مارتی و کریستین لازرژ<sup>۱</sup> در مقالات و کتب معتبر غربی، مورد ارجاع گسترده و توجه گفتمان‌سنجانه پژوهشگران حوزه سیاست جنایی واقع شده و همچنان در ادبیات ایرانی سیاست جنایی، دو کتاب ترجمه‌شده از دو محقق مذکور، به مثابه تنها پارادایم سیاست جنایی دانسته شده و می‌شود.

تکرار مفاهیم سیاست جنایی غربی، اسلامی، فرانسوی، آمریکایی، مصری، ایرانی (شیعی) و...، سیاست جنایی بدون لحاظ عوامل و موانع پیچیده پیوند آن به ساختار و بافتار سیاست جنایی داخلی یک کشور، ظرفیت کافی برای ارائه نسخه ملی سیاست جنایی را فراهم نمی‌کند. در فضای ضعف و غیبت نهادهای تولید دانش سیاست جنایی داخلی، نهادهای متکی به منافع افراد، به ذهن مأموران پلیس و قضات و دانشجویان و استادان حقوق و مدیران اجرای کیفرها و دیگر کنشگران سیاست جنایی سمت‌وسو می‌دهند.

امروزه چالش‌های فراوانی در نظام پژوهشی کشور وجود دارد که موجب رخوت و کاهش نشاط در جوامع علمی شده است، پژوهش‌های دانشگاهی - به‌ویژه کتب برخی گرایش‌های نوین رشته حقوق، مانند کتب سیاست جنایی - سردرگمی خاصی دارد و شاهد موازی‌کاری‌ها و هدررفت منابع مالی، سرمایه انسانی و زمان هستیم که منشأ آن نیز عدم حکمرانی مطلوب در این عرصه است، اگرچه پژوهش‌هایی در مورد موضوعات مختلف پیرامون حکمرانی نظام نوآوری ایران، تحول علوم انسانی، جنبش نرم‌افزاری، الگوی اسلامی - ایرانی شرف، بومی‌سازی علوم انسانی، خط مشی‌گذاری علوم انسانی، موانع و ظرفیت‌های فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، مختصات جامعه علمی و نحوه مدیریت منابع انسانی جوامع پژوهشی و اخیراً هم پژوهش‌هایی در مورد جهاد تبیین انجام پذیرفته است (جوادی و دانایی‌فرد، ۱۳۹۷؛ حسنی و همکاران، ۱۳۹۵؛ شاه‌آبادی و سلیمی، ۱۳۹۴)، اما هیچ‌یک از این پژوهش‌های داخلی کمترین عنایتی به آسیب‌شناسی پژوهش‌های حقوقی نداشته و به‌رغم اهمیت تأثیر دکترونی حقوقی بر قانون‌گذاری و تحول قضایی و پویایی نهادهای حقوقی رسمی که داعیه عدالت‌بنیادبودن دارند و متولی رسمی عدالت جنایی در کشور هستند، نه‌تنها پژوهش‌های «سیاست جنایی»، بلکه پژوهش‌های هیچ‌یک از دیگر قلمروها، شاخه‌ها و حتی گرایش‌های حقوقی مورد آسیب‌شناسی نوشتگان علمی در قالب‌هایی نظیر نقد کتب

1. Christine Lazerges

حقوقی و ارزیابی انتقادی رساله‌ها و مقالات واقع نشده و این حوزه بسیار مهم از علوم انسانی، اساساً مورد غفلت بوده و هست.

از منظر مدیریت دانش، «کشوری که زیرساخت‌های پیوندی میان سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و دولت را فراهم کند و تسریع بخشد، از راه دستیابی سریع‌تر به اطلاعات و محصول، مزیت رقابتی کسب می‌کند» (رضاییان فردویی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۱). دانش سیاست جنایی در ایران به دلیل فقدان پیوند میان پژوهشگران این حوزه و نهادهای سیاست‌گذار در این عرصه، به سطح مدیریت دانش نرسیده و مدیریت دانش سیاست جنایی نه در سطح پیوند میان تولید دانش و کاربری دانش و نه در سطح درونی تولید دانش منعکس در کتب سیاست جنایی، وجود ندارد. این خلأ بزرگ، ملحوظ نظر نگارنده و انگیزه برای انجام این پژوهش گردید.

از دیگرسو، با در نظر داشت این مهم که افزایش ظرفیت دانش، افزایش سرعت انتقال دانش، ارتقای قدرت انتقال دانش (حجم و عمق بیشتری از دانش)، بهینه‌سازی سیستم جریان دانشی (فرهنگ‌سازی و مدیریت بهتر)، جزء مواردی هستند که در ارتقای عملکرد مدیریت دانش در نظام ملی نوآوری می‌بایست مد نظر قرار گیرد، هیچ پژوهشی بر موضوع نوع و حجم و عمق دانش سیاست جنایی راه‌یافته از ادبیات فرانسوی سیاست جنایی و نوشتگان آنگلوآمریکایی سیاست جنایی به ایران و موضوعات مرتبیطی مانند رابطه مدل‌های نظری سیاست جنایی با تدابیر سیاست جنایی در عمل در ایران (بر فرض وجود سیاست جنایی علمی در عمل، در ایران) و ارتقای مجاری تبادل دانش سیاست جنایی میان ایران و دیگر کشورها به‌عمل نیامده و حتی نوشتگان این قلمرو هم مورد کتاب‌سنجی و وب‌پژوهی و ارزیابی مقاله قرار نگرفته است.

به اذعان پژوهش‌ها، «در ایران، رشد مؤسسه‌های پژوهشی دولتی در طول یک سده گذشته که اکثراً وابسته به دانشگاه‌ها یا وزارتخانه‌ها بوده، از الگوی هدمندی پیروی نکرده و کارکرد این مؤسسات در نظام ملی نوآوری آنطور که انتظار می‌رفته محقق نشده است» (نصری، ۱۴۰۱: ۱). ضعف در طراحی ساختار سازمانی و تشکیلاتی مناسب، مشکلات مدیریت نیروی انسانی، ناپویایی در دامنه و تنوع راهبردهای نوآورانه پژوهشی در مؤسسات سیاست‌گذاری عمومی و سیاست‌پژوهی کشور، سستی در تنظیم نظام شاخص‌گذاری مناسب برای ارزیابی عملکرد انواع آن‌ها، نبود طراحی چهارچوب ارزیابی مأموریت‌گرا برای مؤسسات سیاست‌گذاری پژوه (از جمله نهادهای پژوهشی پیش‌گرا اموری مانند وضعیت سیاست جنایی ایران)، مشکلات تأمین مالی در مؤسسات پژوهشی، ضعف همکاری‌های ملی و بین‌المللی، خلل در طراحی و اجرای سازوکارهای مأموریت‌گرایی، رکود و رخوت در عزم به گذار به نسل جدید پژوهشگاه‌های دولتی، از جمله چالش‌هایی است که نمود آن‌ها در آشفتگی‌های علمی

کتاب‌های حوزه سیاست جنایی بروز می‌یابد.

سیاست‌گذاری جنایی در ایران بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های کلی نظام، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و سیاست‌های کلان قوه قضائیه و مقررات قضایی قرار دارد. «اثرپذیری این سیاست‌ها از نهادهای مدنی یا دیدگاه‌های متخصصان و اساتید جرم‌شناسی و حقوقدانان کمتر است» (شیری، ۱۳۹۷: ۱۰۵). نارسایی‌های تولیدات علمی سیاست جنایی، از جمله کتاب‌های سیاست جنایی، یکی از عوامل کم‌اثرپذیری سیاست جنایی ایران از نوشتگان سیاست جنایی است و از این رو پایش کتاب‌ها و مقالات و رساله‌های قلمرو سیاست جنایی امری ضروری، مهم، خطیر و سازنده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی دهه چهارم انقلاب اسلامی را «دهه عدالت و پیشرفت» نامگذاری فرمودند و خط سیر علمی و اجرایی کشور را در این برهه زمانی بر مدار دو مفهوم عدالت و پیشرفت، خط مشی‌گذاری نمودند. این سیاست‌گذاری کلان، ضرورت توجه پژوهشگران و مجریان به بازتولید نظری و تحقق حداکثری این آرمان الهی و اسلامی را در بازه زمانی کمتر و با دقت بیشتر، صدچندان هویدا می‌کند. از دیگر سو، برگزاری دومین جلسه «اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت» و تصریح ایشان بر ناکافی بودن تلاش‌های پیشین و مطالبه جدی برای طراحی تعریف یا تعریف نو و عاری از اشکالات تعریف‌ها و تبیین‌های موجود از عدالت - به‌ویژه اشکالات تبیین‌های غربی از مفهوم عدالت و آثار تتبع از آن مفهوم در نظام‌های حکمرانی - در قالب تعریف اسلامی جدید و جامع از عدالت حقیقی توسط پژوهشگران، اهمیت و جایگاه پژوهش درباره یکی از بغرنج‌ترین، پیچیده‌ترین و بینارشته‌ای‌ترین و پرکنشگرترین قلمروهای عدالت - یعنی عدالت جنایی - بیشتر روشن می‌شود و از این رو واکاوی در سیر نضج و بسط مفهوم عدالت جنایی از آن رو که بر نظام معنایی و ساختاری و کارکردی سیاست‌گذاری جنایی تأثیر مستقیم دارد، اهمیتی انکارناپذیر و ماهیتی راهبردی پیدا می‌کند. بازخوانی انتقادی کتاب‌های درسی و غیردرسی سیاست جنایی، گامی ناپیموده در این راستا است.

### کتاب‌سنجی نوشتگان «سیاست جنایی»؛ ضرورت تولید محتوا برای سیاست‌گذاری جنایی

کتاب‌سنجی، به‌عنوان یکی از روش‌های کاربردی در شناسایی حوزه‌های اصلی و فرعی و خوشه‌های در حال شکل‌گیری یا روبه‌زوال در قلمروهای پژوهشی گوناگون استفاده می‌شود. «تحلیل کتاب‌سنجی، یکی از رویکردهای مرور نوشتگان در حیطه روش‌شناسی مرور ادبیات است تا اهداف و مسیر یک حوزه علمی را به روشنی مشخص کند» (چاودهاری<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۲۰) تحلیل کتاب‌سنجی، شیوه‌ای جهت تعیین کمیّت و کیفیت تعداد روندهای رو به

افزایش یا کاهش در یک قلمرو پژوهشی خاص است و «با استفاده از یک فرایند مروری نظام‌مند، روشن و منسجم، با شناسایی هم‌رخدادی واژه‌های کلیدی، ساختار شبکه دانش را ترسیم می‌کند» (ملک‌الکلامی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۴۹) و روابط میان متغیرهای یک پژوهش را به صورت گذشته‌نگر ترسیم و ارزیابی می‌نماید.

گرچه منتقدان علم‌سنجی رایج در نهارهای علمی مغرب‌زمین، رویکرد علم‌سنجی متداول را پوزیتیویستی دانسته و نقدهای سهمگینی بر آن وارد آورده‌اند، اما نمی‌توان با «سر در برف فروکردن» و چشم‌پوشی بر واقعیت الگوی غالب ارزیابی توسعه دانش، و بدون کمترین توجه به قابلیت‌های ارزنده علم‌سنجی در خدمت به تحول علم، خلأ علم‌سنجی در حقوق، به‌ویژه در علوم جنایی و خاصاً در قلمرو سیاست جنایی را نقد نکرد و به آن بی‌تفاوت بود.

هیچ پژوهشی در قلمرو پایش هیچ یک از انواع برون‌دادهای علمی در حوزه سیاست جنایی - و حتی در دیگر حوزه‌های علوم جنایی و حتی هیچ یک از علوم حقوقی - در نوشتگان علمی در ایران منتشر نشده است. گویی علم‌سنجی و حقوق، با یکدیگر قهر یا دست‌کم ناآشنا‌اند! درحالی‌که مقالات بسیار فراوانی در حیطه علم‌سنجی اغلب دیگر رشته‌های علوم انسانی - به‌ویژه روان‌شناسی، علوم تربیتی، مدیریت - از منظرهای مختلفی، از جمله تحلیل استنادی مقالات، تحلیل عملکرد دانشگاه‌ها در تولید برون‌دادهای پژوهشی (فاسمیان و همکاران، ۱۴۰۲)، تحلیل سطح همکاری‌های علمی بین‌المللی منجر به توسعه خوشه دانش با ملاک مطالعه مقاله‌های انفرادی و مشترک (عرفان‌منش و مروتی اردکانی، ۱۳۹۵)، شاخص‌های H-index و G-index و منظرهای تحلیلی فراوان دیگر منتشر شده است.

دیر یا زود، رشد جذب کارشناسان و اعضای هیأت علمی فارغ‌التحصیل رشته علم‌سنجی در مراکز رو به رشد علم‌سنجی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی کشور، زمینه تحلیل گسترده وضعیت رشته‌ها، دانش‌ها و خوشه‌های دانش نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور را فراهم می‌نماید و نگارنده این تحقیق، آینده‌پژوهانه و به ضرس قاطع ابراز می‌دارد که حقوق و علوم جنایی و سیاست جنایی از این پایش پیش رو مستثنی نخواهد بود و به سراغ ما خواهند آمد! و برون‌دادهای پژوهشی سیاست جنایی را تحلیل خواهند کرد. برداشتن گام نخست در این عرصه تماماً تاریک - عرصه علم‌سنجی سیاست جنایی - دشواری و لذت همزمانی دارد که این محقق حقیقتاً شیفته آن است. این عرصه، چنان تاریک است که نه تنها پژوهش‌های علم‌سنجی داخلی، بلکه حتی به رغم جستجوی گسترده در پایگاه‌های معتبر علمی خارجی و نظام‌های معتبر رتبه‌بندی، پژوهش‌های خارجی چندانی در مورد سیاست جنایی یافت نشد. وانگهی کتاب درسی دانشگاهی کتابی است که طبق برنامه و اهدافی معین و با حجمی مشخص تدوین شده و در دوره‌های آموزش عالی مورد استفاده استادان و دانشجویان قرار می‌گیرد. بنابراین «کتاب‌هایی به‌عنوان کتاب درسی قلمداد می‌شوند که از ویژگی‌های

آموزشی، مانند انطباق با برنامه درسی، تشریح آموزشی محتوا و هدایت فرایند آموزش برخوردار باشند» (آرمند و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵). کلیدواژه‌هایی همچون «صنعت کتاب‌سازی»، «نویسندگی با چسب و قیچی»، «نویسنده بازاری»، «بازاری‌ناشر»، «کتاب‌های بچاپ و بفروش»، «کاریکتاب»، «تاجران علم»، «فرهنگ بازاری»، «آنارشیسم علمی - چاپی»، «ابتدال علمی»، «انحراف از فرهنگ»، «کتاب‌زدگی» که در پژوهش‌های حوزه کتاب‌پژوهی در نقد برخی از آفات کتاب‌های غیراستاندارد بحث شده است (اسفندیاری، ۱۴۰۱: ۱۰۷)، بخشی از نقدهای این پژوهش به تعدادی - اگرچه اندک - از کتاب‌های دانشگاهی سیاست جنایی را دربر می‌گیرد.

استانداردهای محتوایی، استانداردهای آموزشی، استانداردهای ساختاری، استانداردهای فرهنگی و استانداردهای نگارشی و فنی، حسب مورد در کتاب‌های مورد مطالعه انتقادی در این پژوهش، منظر تحلیل و دریچه ارزیابی به‌شمار می‌روند. روزآمدی محتوا و معتبر بودن منابع، بومی بودن محتوا، کاربردی بودن، جامعیت مطالب، توجه به ویژگی‌های روانی فراگیر (مخاطب کتاب)، تقویت مهارت‌های شناختی و فراشناختی، ربط محتوای کتاب درسی و تعبیر آن به اجتماع مورد ارجاع، عدم سوء بازنمایی، بهره‌مندی از اجزای ساختاری کامل و ساختارمندی محتوا در ربط مفهومی با موضوع‌های مطالب و طرح صحیح ایدئولوژی‌های علمی مرتبط با موضوع کتاب و تحلیل غیرمتعصبانه آن‌ها، مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی کتاب‌های سیاست جنایی و نقد تعداد منتخب از این کتاب‌ها به‌صورت استنادی - تحلیلی و مطابق الگوی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در چهارچوب معرفی کلی، بررسی شکلی و بررسی محتوایی اثر را شامل می‌شود.

علم‌سنجی در خدمت تعیین وضعیت رشته‌های دانشگاهی و نیز تحقیقات علمی است. با به‌کارگیری ابزار علم‌سنجی می‌توان نیاز، تقاضا و ضرورت علم و غیرعلم را اندازه‌گیری و ارزیابی کرد. پژوهشگران، سه حوزه زیر را برای کاربردهای علم‌سنجی عنوان کرده‌اند: «تحقیق روش‌شناسی، رشته‌های علمی و سیاست علم» (انانیسام<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۱۵۴۲). «هدف علم‌سنجی در علوم انسانی و اجتماعی، مطالعه پایگاه‌های داده یا پوشش آن‌ها نیست، بلکه ارتقای دانش ساختارهای ارتباطی در تحقیقات است. بنابراین مطالعات علم‌سنجی نقش جدی‌تری در درک ماهیت تحقیقات و انتشارات در علوم انسانی و اجتماعی ایفا می‌کند.» (سوریامورتی<sup>۲</sup>، ۱۴۰۲: ۱۰۹) علم‌سنجی همچنین «می‌تواند اطلاعات را ارزیابی کند و به درک پویایی رشته‌ها و آگاهی‌رسانی در راستای سیاست‌های مربوط به تخصیص منابع و بودجه کمک کند» (لیدسدروف و میلوسویچ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵: ۸۷). از حیث نظری، علم‌سنجی دو

1. Anninosm

2. Sooryamoorthy

3. Leydesdroff & Milojevic

هدف را دنبال می‌کند: «اهداف رابطه‌ای» و «اهداف ارزیابی محور». «سازوکارهای رابطه‌محور، به‌منظور بررسی روابط درون هر پژوهش، از جمله ساختار زمینه‌های تحقیق، ظهور مضامین و روش‌های تحقیق جدید و الگوهای هم‌نویسندگی فعالیت می‌کنند. اهداف ارزیابی محور، شامل مطالعه ادبیات مورد استفاده توسط پژوهشگران در هر زمینه خاص است» (بال، ۲۰۱۸: ۹۲). علم‌سنجی کتاب‌های سیاست جنایی، در صورت انجام، از نوع دوم خواهد بود. همپوشانی زیاد در محتوای برخی فصول، نامگذاری و نحوه چینش فصول و ترجمه تحت‌اللفظی برخی جملات و انتشار ترجمه به نام تألیف، ناساختارمندی مطالب به‌رغم ضرورت ساختارمندی خاص ضروری دانش سیاست جنایی، خلط مفاهیم و اصطلاحات و مصادیق و مدلواره‌ها و روابط اصلی و فرعی و اشتقاقی سیاست جنایی با هم، انتشار کتاب‌هایی به‌نام سیاست جنایی با محتوای خارج یا کمریبط به سیاست جنایی، تحلیل‌های ناکافی و حضور کم مؤلف در متن، نمونه‌هایی از گستره وسیعی از اشکالات کتاب‌های دانشگاهی منتشره در ایران به نام سیاست جنایی است که حسب محدودیت حجمی این مقاله بحث می‌شوند. اشکالات کتاب‌های سیاست جنایی موجب کمرغبتی سیاست‌گذاران انتظامی و قضایی و قانون‌گذاران به کسب اطلاع از مفاهیم و مدل‌ها و رهنمودهای سیاست جنایی دارد.

سیاست جنایی، عنوان درس دو واحدی نظری در مقطع دکتری رشته حقوق در گرایش جزا و جرم‌شناسی است و در مقطع کارشناسی ارشد، درسی با این عنوان در برنامه درسی پیشین (مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) وجود نداشت، اما با توجه به اهمیت دانش سیاست جنایی در سطح بین‌المللی توسعه علوم جنایی به‌ویژه در این دانش و جایگاه خاص این دانش که ماهیت سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی دارد و با عنایت به استقبال چشم‌گیر پژوهشگران و برخی سیاست‌گذاران جنایی کشور از دانش‌های تفسیری - تحلیلی، خوشبختانه در برنامه جدید درسی رشته «حقوق کیفری و جرم‌شناسی» براساس مصوبه جلسه شماره ۲۱۱ شورای تحول و ارتقای علوم انسانی مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۳ که در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۳۰ به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفت، خوشه جدیدی به نام «سیاست جنایی و جرم‌شناسی» در قالب بخش «ب» جدول ۴ از دروس تخصصی اختیاری، چهار عنوان درس نظری دو واحدی با عنوان‌های «درآمدی بر سیاست جنایی»، «سیاست جنایی محیط زیست»، «سیاست جنایی مواد مخدر و روانگردان» و «سیاست جنایی منطقه‌ای» برای نخستین‌بار در نظام آموزش عالی رشته حقوق در ایران تأسیس گردیده است که نشان از اهمیت توجه تدوین‌کنندگان این برنامه درسی به دانش و جایگاه سیاست جنایی دارد. از نیم‌سال تحصیلی نخست ۱۴۰۲-۰۳ درس

دو واحدی اختیاری «درآمدی بر سیاست جنایی» برای دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی مقرر شده است. همچنین درس «سیاست جنایی» به ارزش دو واحد در مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، از درس اختیاری تبدیل به درس اصلی و الزامی شد.

### ناروش‌مندی برخی کتاب‌های درس‌محور و پژوهش‌محور «سیاست جنایی»

بخش چشم‌گیری از پژوهش‌های منتشره در کشور با تیتیر سیاست جنایی، دچار ضعف در مبانی پارادایمی اثباتی و تفصیری و انتقادی هستند و از چشم‌انداز فلسفی، تئوری‌های موجه‌ساز، مدل‌های کاربردی و نظام پایش بی‌بهره یا کم‌بهره‌اند. اظهارات مندرج در برخی از کتاب‌های سیاست جنایی در کشور، این‌گونه نیست که به‌نحو روش‌مندی از سطوح انتزاعی فلسفی و پارادایمی نظریه‌بنیاد آغاز شوند و تا سطح تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات و بساخت دانش کاربردی برای پیشگیری و پاسخ به جرایم و انحرافات توسط شبکه‌های اصلی و اشتقاقی کیفری، اداری، انضباطی، صنفی، پزشکی، اجتماعی و... به پیش بروند.

وسیع‌تر از بحران ضعف پارادایمی کتب سیاست جنایی در ایران، وجود این ضعف در اغلب پژوهش‌ها در همه علوم انسانی در کشور است، چه، طبق برونداد پژوهش‌های ملی پایشگر روند علوم انسانی، «توسعه معرفت علم علوم انسانی در ایران با توجه به فرآیند تحقیقات علمی موجود دچار ابهام‌های پارادایمی، نظری و روشی است. تمرکز بر مفاهیم فلسفی و ایدئولوژیک و عدم تفاهم نظری در رابطه با مفاهیم هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی و خصیصه‌های پارادایم‌های الهی و اسلامی در میان اجتماعاتی از عالمان و اندیشمندان که به‌دنبال طراحی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشند به عدم طراحی روش‌شناسی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی که توان تحلیل، تبیین و درنهایت حل مسائل را داشته باشد، انجامیده است» (ایمان، ۱۳۹۱: ۴۱). مسیر گفتمان سیاست جنایی ایرانی - اسلامی را باید کوشید از دشواره‌هایی که فقه‌های مضاف و سطوح خرد فقه نظام‌ساز با آن مواجه شده‌اند، دور کرد و رهایی بخشید.

در اغلب کتب سیاست جنایی، تراکم مسأله به‌جای حل مسأله، عدم تعادل و بی‌سازمانی اجتماعی را در تحقیقات علوم جنایی کشور حاکم می‌کند. بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی ناشی از ضعف عدالت جنایی را به‌جرات می‌توان ناشی از عوامل پرشماری، از جمله بومی نبودن سیاست جنایی در ایران و وضعیت نابسامان برخی پژوهش‌ها به‌ویژه انبوهی از کتاب‌های سیاست جنایی دانست. در ابعاد بنیادی، روش‌شناسی علوم انسانی - به‌ویژه علوم اجتماعی و بالأخص دانش سیاست جنایی که در کتب سیاست جنایی منعکس است - در ایران دچار ابهام پارادایمی و نظری است. این ابهام پارادایمی و نظری باعث شده که این نوع روش‌شناسی

توسه معرفت، مشکل مدار باشد و نه آنچنان مسأله محور. در یک چنین وضعیتی مشکلات به جای حل شدن، بر روی یکدیگر انباشت می شوند و خود را بر نظام اجتماعی و سیاسی تحمیل می کنند.

کتب غیرروشن مند سیاست جنایی در ادبیات دانشگاهی علوم جنایی ایران، در این وضعیت، بیش از توانمندی به حل بحران های دیرپا و چالش های نوپدید بزهکاری، خود دچار تزلزل علمی است. بسیاری از کتب منتشره با عنوان سیاست جنایی، ساختار حقوق جزای اختصاصی دارند و براساس توصیف ارکان جرایم، کیفیات مخففه و مشدده کیفر، تأسیسات ارفاقی مجازات های جرایم مطرح و یا توصیف آیین دادرسی افتراقی رسیدگی به آن جرایم، عبارت «سیاست جنایی» را فقط یدک می کشند و محتوا و ساختار مطالب بسیاری از این کتب، نسبتی با سیاست جنایی ندارد.

وضعیت کتب درسی سیاست جنایی جهت تأمین محتوای آموزشی برای این ۸ واحد درس تخصصی مقرر تحت خوشه جدیدی به نام «سیاست جنایی و جرم شناسی» در قالب بخش «ب» جدول ۴ از دروس تخصصی اختیاری - یعنی چهار عنوان درس نظری دو واحدی با عنوان های «درآمدی بر سیاست جنایی»، «سیاست جنایی محیط زیست»، «سیاست جنایی مواد مخدر و روانگردان» و «سیاست جنایی منطقه ای» - چگونه است؟ آیا منابع معرفی شده در برنامه درسی مصوب وزارت عتف برای این ۴ عنوان درس، منابع استاندارد و قابل قبولی هستند و حداقل های کتاب درسی دانشگاهی را دارا می باشند؟ از این مهم تر، در مورد وضعیت خود دانش سیاست جنایی در ایران آیا انسجام علمی و تثبیت مفاهیم پایه و محتوای تألیفی یا ترجمه ای منسجم، متقن و درخوری وجود دارد یا این دانش وارداتی در ایران حتی مفاهیم اولیه اش نیز دچار سرگردانی است و کتاب های موجود در تشتت گسترده، این همانی مفاهیم سیاست جنایی با مفاهیم برخی دیگر علوم جنایی، همپوشانی تنقیح نشده و کاربرد نابجای اصطلاحات در غیر جایگاه علمی خود به سر می برند؟

اشکالات ساختاری، محتوایی، شکلی و از آن سه مهم تر، «آشفته گی گفتمانی - پارادایمی» در کتب سیاست جنایی، به همراه سوء روابط قدرت میان در برخی پژوهشگران در تألیف و ترجمه مشترک کتب سیاست جنایی، موجب کاهش کیفیت این کتاب های دانشگاهی و ایراد صدمه اساسی به ارزش، شأن و جایگاه این دانش و محققان راستین این حیطه مهم از علوم جنایی شده است. همچنین موقعیت ساختاری یا اداری برخی نهادهای حاکمیتی سفارش دهنده انجام پژوهش های سیاست جنایی نیز گاهی به کژتابی معرفتی مسیر پژوهش می انجامد. بازتاب «اندیشه ها» - صرفاً اندیشه ها - در کتاب های سیاست جنایی در ایران، حجم عمده متون دانشگاهی و پژوهشی خوشه سیاست جنایی در نوشتگان علوم جنایی در کشور را به خود اختصاص داده است و این خود نشانگر عمق ضعف ماهوی و روشی کتاب ها،

مقاله‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های پژوهشی است. مقصر، قطعاً تنها مؤلفان ارجمند و فرهیخته این آثار علمی نیستند، بلکه فقدان مطلق آموزش پژوهشگری در حوزه سیاست جنایی، عدم آموزش روش تحقیق در علوم جنایی تجربی در نظام دانشگاهی، عدم همکاری نهادهای ذی‌ربط با پژوهشگران سیاست جنایی و عوامل متعدد دیگر دخیل است.

### ضعف مسأله‌مندی در اغلب نوشتگان سیاست جنایی

سیاست‌گذاری حقوقی با رویکردی مسأله‌محور و بینارشته‌ای که از دانش سیاست‌گذاری عمومی اقتباس کرده است، در پی حل مسائل نظام حقوقی و گشودن افق‌های حقوقی نوین است. سیاست‌گذاری جنایی در دولت‌های غربی جمهوری خواه نشانگر جریان کنترل نرم شبکه دانش‌ها و فناوری‌ها به نحوی است که اقتدارگرایی مدرن علیه گروه‌هایی از بشر را سامان می‌دهد. خوانش جمهوری خواه از مدرنیته که سیاست جنایی اقتدارگرا را بازتولید می‌کند، جلوه‌ای از روابط قدرت و دانش است، آنچنانکه «مدرنیته می‌کوشد بدن‌ها را بهنجار، نظم‌یافته، سرکوب‌پذیر و فاقد آگاهی بنماید» (توانا و علی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳) قدرت و تکنیک‌های مجازات وابسته به دانشی است که اقتدار خود را از ارتباطات گفتمان قدرت حاصل می‌کند.

فقدان مسأله‌مندی در پژوهش‌های سیاست جنایی را می‌توان با شاخص‌های مختلفی از جمله بررسی فراتحلیل‌های به‌عمل‌آمده از موضوع‌های پایان‌نامه‌ها و رساله‌های رشته مدیریت - از آن حیث که سیاست‌گذاری جنایی، از مسأله‌های مدیریت دولتی است - سنجش کرد. یک مطالعه پیرامون عناوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های رشته مدیریت طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد از میان ۲۵ دسته موضوع مورد فراوانی پژوهش‌های تحصیلات تکمیلی رشته مزبور در تمامی دانشگاه‌های دولتی ایران، تنها یک مورد - «فساد اداری» - جزء «مسأله»‌های پژوهشگران مدیریت در ایران طی دو دهه اخیر بوده است. این نشان می‌دهد بزهکاری، آسیب‌های اجتماعی، کژروی و مخاطرات مجرمانه اصلاً مورد توجه پژوهشگران تحصیلات تکمیلی رشته مدیریت دولتی در دانشگاه‌های دولتی کشور نیست و به‌رغم نیافتن مطالعه دیگری در مورد عناوین کتاب‌ها و مقالات اساتید رشته مزبور، می‌توان حدس زد که دغدغه‌های پژوهشی اساتید آن رشته نیز همین است؛ چه، ارائه موضوع‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان عموماً بخش عمده همان دغدغه‌ها و موضوعات علمی مد نظر اساتید است.

شناخت نظام مسائل کشور به‌معنای کشف منظومه مسائل کلان مؤثر بر سرنوشت نسل‌های کنونی و آتی ملت و فهم رابطه میان آن‌ها و شناسایی جلوه‌ها و عوامل و پیامدهای آسیب‌های اساسی به حقوق ملت و حاکمیت و تشخیص و طراحی نقاط مداخله هوشمند، از

مهم‌ترین اولویت‌های حکمرانی است. مرکز پژوهش‌های مجلس - به‌مثابه مهم‌ترین نهاد تولید دانش پشتوانه سیاست جنایی تقنینی - در سال ۱۳۹۶ در کتاب «عمده‌ترین مسائل کشور: اولویت‌ها و راهبردهای مجلس شورای اسلامی در دوره دهم» این مسائل از این قرار اعلام داشته است: «فساد اقتصادی، مسأله قاچاق کالا، آسیب‌های اجتماعی، نرخ تورم، نظارت مالی، ناکارآمدی، مشکلات مناطق آزاد و ویژه، نظام بودجه‌ریزی وابسته به نفت، تمرکزگرایی مالی، هزینه‌های پرسنلی دولت، وسعت ساختار و تشکیلات دولت، نابسامانی طرح‌های عمرانی، عدم تمرکز مالی و اداری.» تمام مسائل مورد اعلام در این گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، مسائل مالی بوده است و حتی از سه مسأله‌ای که به بحران بزهکاری مربوط است (سه مسأله اول: فساد اقتصادی، مسأله قاچاق کالا، آسیب‌های اجتماعی)، دو مسأله اول هم جنبه مالی دارد و صرفاً مسأله سوم - آسیب‌های اجتماعی - غیرمالی بوده است. این را هم نمی‌توان واقعاً مسأله دانست، زیرا آسیب‌های اجتماعی مقوله‌ای بسیار گسترده است و خود شامل ده‌ها مسأله است و نمی‌توان چنین عبارت کلانی را «مسأله» دانست. این یعنی مرکز پژوهش‌های مجلس، توجه لازم به سیاست‌گذاری جنایی به‌خاطر بحران جرایم (خصوصاً جرایم غیرمالی) را نداشته است. این در حالی است که تقریباً در همان زمان انتشار کتاب «عمده‌ترین مسائل کشور» توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سلسله‌کتاب‌های آسیب‌های اجتماعی ایران (جدیدترین عنوان این سلسله‌کتاب‌ها: موسوی، ۱۳۹۸) منتشر شده است و خوشه‌هایی از مسائل نابسامانی‌های مجرمانه در کشور را شرح کرده است. اینکه مرکز پژوهش‌های مجلس، مقوله بسیار وسیع و غیرقابل تحدیدی به‌عنوان «آسیب‌های اجتماعی» را در کنار امور دیگری با وسعت و اهمیت بسیار کمتر - مثلاً مشکلات پروژه‌های عمرانی دستگاه‌های دولتی - هم‌عرض و در یک سطح از اهمیت و «مسأله‌مندی» دانسته است، نشانگر کم‌توجهی مفرط به بحران جرم و کژروی‌های مستعد بزهکاری و مصائب بزه‌دیدگی و لزوم سیاست‌گذاری جنایی تقنینی در قبال آن‌ها است.

### الهیات سیاست‌گذاری علم، و بازتاب آن در تفاوت محتوای دانشی سیاست جنایی

محتوای دانشی سیاست جنایی در نوشتگان اساتید و پژوهشگران برجسته این قلمرو پژوهشی، متأثر از عوامل گوناگونی است که در میان آن‌ها، الهیات فکری این محققان تأثیر چشم‌گیری بر فرایند و برآمد آثار علمی ایشان داشته است. یک طیف، قائل به وجود سیاست جنایی در اسلام و لزوم کشف آن شده و عموماً برخی آیات و روایات و حکمت‌های اسلام را قرین و متناظر نظریه‌ها و رهیافت‌های سیاست جنایی دانسته و همین را برای صدق وجود سیاست جنایی اسلام کافی دانسته‌اند. طیف دوم، می‌کوشند از آموزه‌های اسلام و سازه‌های حکمی متفکران تمدن اسلامی - همچنانکه از آموزه‌های اندیشه و تحولات غرب و نیز

داده‌های پژوهش‌های جامعه‌شناسی ایران - برای برساخت نظریه اسلامی - ایرانی (بومی) سیاست جنایی بهره بگیرند و هرگز تقلیل‌گرایانه ادعای این‌همانی منابع وحیانی و روایی اسلام با نظریه‌ها و مدل‌ها و تاکتیک‌های سیاست جنایی مدرن ندارند. نگارنده، در طیف دوم است؛ طیفی کم‌شمار، آینده‌پژوه و امیدوار به برساخت سیاست جنایی اسلامی - ملی (بومی) برای ایران.

حجم عمده‌ای از نوشتگان دانشگاهی ایرانی تحت عنوان سیاست جنایی، با خوانشی سکولار همراه است. گویا همچنان پیش‌فرض بدیهی عصر مدرن دائر بر انفکاک علم از دین مصون از نقد است، درحالی‌که «امروزه خودآیینی و خودبنیادی مبانی علم مدرن، یعنی انفکاک علم از دین، مورد نقد قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که می‌توان این تلقی را که علوم عصر مدرن همیشه در عمیق‌ترین لایه‌های خود از دین و باورهای الهیاتی تأثیر گرفته‌اند، مطرح کرد» (نقره‌ای و امین‌خندقی، ۱۴۰۱: ۶۰). از این‌رو بحث از امکان الهیات سیاست‌گذاری دانش سیاست جنایی، به‌مثابه قلمرویی از الهیات مضاف، می‌تواند بستری برای طرح مباحث الهیاتی فراتر از نظم پارادایمی موجود در هویت سکولار دانش غربی وارداتی سیاست جنایی باشد.

در مورد فهم ریشه‌های الهیاتی، بررسی امکان وجود ریشه‌های الهیاتی اسلامی برای مطالعات سیاست جنایی، سهل‌ممتنع است. از یکسو نباید در ناب و محققانه‌بودن مقاله‌ها و چند کتاب منتشره به نام «سیاست جنایی اسلامی» اغراق کرد و هرآنچه تاکنون به این نام منتشر شده است را کافی برای صدق تشکیل خوشه دانشی سیاست جنایی اسلامی دانست و از سوی دیگر انصافاً در حد یک «گفتمان»، می‌توان از شکل‌گیری گفتمان سیاست جنایی اسلامی در پژوهش‌های حقوقی کشورهای اسلامی - که ادبیات سیاست جنایی اسلامی در ایران نیز سهمی هرچند اندک در این میان دارد - سخن گفت.

تولید علم دینی در گرو ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها، حتی فرهنگ‌های غیردینی است و این میانکنش، نه صرفاً به‌منظور وام‌گیری و تقلید از آن فرهنگ‌ها، بلکه باید از خلال تعامل دوسویه (گفتگو میان ساحت‌های دانش‌ها و معرفت‌ها) شکل گیرد. به دیگر سخن، برای تولید (بازتأسیس) علم دینی، دو مرحله «بازفهمی» فرهنگ‌های دیگر و «بازنگری» در آن‌ها لازم است و این نیازمند برساخت یک پارادایم تمدنی - دانشی است. چنین پارادایم آرمانی، درصورت اندیشه‌ورزی و راهبرددسازی و برنامه‌ریزی در قالب «آینده‌پژوهی» به‌معنای علمی کلمه و دور از هر ایدئولوژی و خلط مفاهیم، قابلیت مدد‌رسانی به هدف نواندیشی در سیاست‌گذاری جنایی در مسیر عدالت‌گیری را داراست. همچنین چالش‌های رویکرد تطبیق‌دهی فقه جزایی بر سیاست جنایی ایران - که رویکرد غالب بر گفتمان سیاست جنایی اسلامی در پژوهش‌ها است - عمدتاً عبارتند از: ابهام در نسبت فقه جزایی اسلام با سیاست

جنایی اسلامی و سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، مغایرت رویکرد انطباقی محض فقه‌گرای سنتی با الگوی صحیح تولید «علم دینی»، تضعیف پویایی تعامل فقه جزایی با علوم جزایی و الزامات بین‌المللی، ناهم‌سویی با اقتضائات سازمانی نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران و نهایتاً مغایرت با هنجارهای عرفی و جامعه‌شناسی جنایی ایرانی.

## نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری جنایی در ایران بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های کلی نظام، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و سیاست‌های کلان قوه قضائیه و مقررات قضایی قرار دارد. اثرپذیری این سیاست‌ها از نهادهای مدنی یا دیدگاه‌های متخصصان و اساتید جرم‌شناسی و حقوقدانان کمتر است. نارسایی‌های تولیدات علمی سیاست جنایی، از جمله کتاب‌های سیاست جنایی، یکی از عوامل کم‌اثرپذیری سیاست جنایی ایران از نوشتگان سیاست جنایی است و از این رو پایش کتاب‌ها و مقالات و رساله‌های قلمرو سیاست جنایی امری ضروری، مهم، خطیر و سازنده است.

پژوهش جامع و مستقلی در موضوع ارزیابی تحقیقات سیاست جنایی در کشور یافت نشد. با اینکه مقاله‌سنجی در مقایسه با کتاب‌سنجی، بسیار آسان‌تر است و سهولت آن هم به خاطر وفور و راحتی کار بست ابزارهای علم‌سنجی مقالات از رهگذر پایش پایگاه‌های نمایه‌کننده مقالات است. کتب غیرروشن‌مند سیاست جنایی در ادبیات دانشگاهی علوم جنایی ایران، در این وضعیت، بیش از توانمندی به حل بحران‌های دیرپا و چالش‌های نوپدید بزهداری، خود دچار تزلزل علمی است. بسیاری از کتب منتشره با عنوان سیاست جنایی، ساختار حقوق کیفری اختصاصی دارند و یا نوشتگان محدود به سیاست‌های حاکم بر تأسیسات ارفاقی در حقوق کیفری عمومی ایران در پرتو جرم‌شناسی بازپرورانه را «سیاست جنایی بازپروری» نام نهاده‌اند. همچنین در بسیاری از کتب سیاست جنایی، تراکم مسأله به‌جای حل مسأله، عدم تعادل و بی‌سازمانی اجتماعی را در تحقیقات علوم جنایی کشور حاکم می‌کند. فراتحلیل، بازیابی نظام‌مند داده‌ها، کارآزمایی تصادفی کنترل‌دار، مطالعات نیمه‌آزمایشی و هم‌گروهی، روایت‌پژوهی‌های روش‌مند به‌شکل خوداعترافی بزهداران و پیمایش بزهدیدگان جایگاهی در کتاب‌های منتشرشده در کشور در قلمرو سیاست جنایی ندارد و این فقر علمی باعث عدم تشکیل پشتوانه علمی برای تصمیم‌سازی سیاست‌گذارانه جنایی می‌شود.

نقص در نمایه‌سازی بروندهای پژوهشی از نوع کتاب - دیجیتالی کردن کتاب‌ها - جهت تسهیل علم‌سنجی از طریق کتاب‌سنجی، در دستور کار بسیاری از نظام‌های سیاست‌گذاری علم در کشورهای مختلف قرار گرفته است. این پروژه مهم، تحلیل تغییرات در خوشه‌های دانش و فراز و فرود قلمروهای پژوهشی، گرایش‌های رشته‌ای، رشته‌ها و آبرحوزه‌های دانشی

را ممکن پذیر، کم خطا تر و علمی تر می نماید. در ایران، نسخه الکترونیکی کتاب‌های حقوقی بسیار اندک و ناچیز است و کتاب چندرسانه حقوقی وجود ندارد و همان اندک کتاب‌های الکترونیکی حقوقی هم در پایگاه‌های دیجیتال قابل کتاب‌سنجی قابلیت تحلیل علم‌سنجانه ندارد و صرفاً فایل pdf این کتاب‌ها قابل مطالعه است. بنابراین هیچ‌گونه کتاب‌سنجی دیجیتال - که نیازمند قابلیت اجرای تکنیک‌های علم‌سنجی بر محتوای کتاب‌ها است، نه صرفاً امکان مشاهده یا دانلود تصویر روگرفت الکترونیکی کتاب‌ها - وجود ندارد. از این رو کتاب‌سنجی به روش کلاسیک و غیردیجیتال میسر است و البته همین حد ابتدایی از کتاب‌سنجی هم در مورد نوشتگان سیاست جنایی از نوع کتاب و نیز از نوع مقاله، انجام نشده است. سیاست جنایی در ایران را در وضعیت توجه نامتوازن به سیاست جنایی فرانسه و بی‌توجهی تفریطی به سیاست جنایی کشورهای متعدد دیگری قرار داده است که قرابت‌های گسترده حقوقی و اجتماعی و... با ایران دارند و الهام از آن‌ها امکان پیوند حقوقی موفق تر به سیاست جنایی ایران را نوید می‌دهد.

نظر به آنکه طبق سنت معرفتی هر رشته باید تصمیم‌گیری شود که چه بروندادهایی استفاده شود و چگونه مورد ارزیابی قرار گیرد، شاخص‌ها و سنجه‌های سنجش بروندادهای علمی سیاست جنایی در نوشتگان دانشگاهی کشورمان مبهم و اساساً نامتولد است و این خلأ بزرگ، عدالت‌پژوهی را عقیم و سیاست‌گذاری در عدالت جنایی را نامبتنی بر مطالعه واقعیت‌های بزهکاری، بزه‌دیدگی و دیگر مؤلفه‌های لازم به سنجش می‌سازد.

برای برقراری ملزومات اولیه علم‌سنجی سیاست جنایی در ایران، لازم است پس از تعیین شاخه‌های اصلی و فرعی درختواره دانشی<sup>۱</sup> سیاست جنایی و ترسیم روند تغییرات صورت‌گرفته در سیر تحول این دانش - از سیاست کیفری به سیاست جنایی و توسعه مفهومی شبکه روابط اصلی، فرعی و اشتقاقی تدابیر کنشی و تدابیر واکنشی به جرایم و کژروی‌ها توسط حلومت و ملت با ابزارهای قهری و اصلاحی و توسعه کنشگران و پایشگران سازمانی، محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی سیاست جنایی در موضوع‌های مختلف چاره‌جویی برای کنترل بزه - وضعیت پژوهش‌های ایرانی منتشره اعم از کتاب‌ها و مقاله‌ها و رساله‌ها و گزارش‌های پژوهشی سازمانی و... در وب علوم تحلیل شود.

چندین نمودار تک‌صفحه‌ای درباره تقسیم‌بندی علوم جنایی، به‌ویژه جرم‌شناسی و نیز مدل‌بندی سیاست جنایی طبق الگوی دلماس مارتی در برخی کتب ترجمه‌ای سیاست جنایی مندرج است، اما این تک‌نمودارها درختواره نیستند و مصداق دیداری‌سازی خوشه‌بندی به‌شمار نمی‌روند. جای خوشه‌بندی علوم جنایی به روش علمی و مبتنی بر الگوریتم‌های

1. Tree of knowledge

سلسله‌مراتبی و الگوریتم‌های فازی بسیار خالی است و در صورت تولید دانش علم‌سنجی حقوقی به‌ویژه علم‌سنجی سیاست جنایی در ایران، بسیاری از آشفتگی‌های مفهومی درباره سیاست جنایی، این‌همان‌انگاری‌های ناآگاهانه در کاربرد کلمات سیاست جنایی و سیاست کیفری و عدالت جنایی و جانمایی نادرست و بسیار رایج واژه‌های جنایی، جزایی، کیفری و مانند آن کاهش خواهد یافت و توسعه دانش‌های جنایی در نهاد علم در ایران تقویت خواهد شد. ارتقا کیفیت و گسترش دامنه تولید دانش سیاست جنایی در ایران - ترویج دانش سیاست جنایی - در گرو باور سیاست‌گذاران کلان عدالت جنایی در جمهوری اسلامی ایران به این مهم است که سیاست‌های عدالت جنایی نباید صرفاً بر اساس نظر ذوقی - هرچند دلسوزانه و تجربه محور - از سوی بازیگران و متخصصان حقوقی نظام عدالت جنایی اتخاذ شوند، بلکه تفکیک میان مراحل تحلیل و تقنین در فرایند سیاست‌گذاری جنایی لازم است. تولید دانش باکیفیت در سیاست جنایی، یاریگر مرحله نخست پیشگفته - مرحله تحلیل - خواهد بود. در مدل راهکارمحور، برخلاف مدل صحیح مسأله محور، سیاست‌گذاران جنایی - در هر کشوری که مدل راهکارمحور حاکم باشد - بدون اهتمام به نظام مسائل جزایی و شناخت آنها، به سراغ واردات راهکار میروند و با شکست به دلیل بومی نبودن راهکارها مواجه میشوند. دلیل این شکست، عدم دانشمداری سیاست‌های اتخاذی است، که خود ریشه در عواملی از جمله ضعف نوشتگان سیاست جنایی دارد. برای کاهش این نقص علمی، انجام پژوهش درباره وضعیت ساختار دانش حوزه سیاست جنایی در پایگاه‌های اطلاعاتی بروندهای پژوهشی داخلی و خارجی، می‌تواند هم‌رخدادی واژگان در مقالات حوزه سیاست جنایی را مشخص کند؛ همچنانکه نیاز به نقشه ساختاری نوشتگان ایرانی سیاست جنایی از طریق تحلیل هم‌رخدادی واژگان عناوین این نوشتگان و خوشه‌بندی آن ضرورت دارد. امید است پژوهش‌های پیش رو در قلمرو بکر علم‌سنجی سیاست جنایی، این خلأها در نوشتگان ایرانی سیاست جنایی را رفع کنند.

افزون بر علم‌سنجی دانش سیاست جنایی، راهکار دیگر برای ترویج دانش سیاست جنایی و اصلاح سیاست‌گذاری جنایی در ایران، تولید دانش در قالب کتب درسی سیاست جنایی است. خوشبختانه در برنامه جدید درسی رشته «حقوق کیفری و جرم‌شناسی» بر اساس مصوبه جلسه شماره ۲۱۱ شورای تحول و ارتقای علوم انسانی مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۳ که در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۳۰ به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گرفت، خوشه جدیدی به نام «سیاست جنایی و جرم‌شناسی» در قالب بخش (ب) جدول (۴) از دروس تخصصی اختیاری، چهار عنوان درس نظری دوواحدی با عنوانهای «درآمدی بر سیاست جنایی»، «سیاست جنایی محیط زیست»، «سیاست جنایی مواد مخدر و روانگردان» و «سیاست جنایی منطقه‌ای» برای نخستین بار در نظام آموزش عالی رشته

حقوق در ایران تأسیس گردیده است، که نشان از اهمیت توجه تدوینکنندگان این برنامه درسی به دانش و جایگاه سیاست جنایی دارد. از نیمسال تحصیلی نخست ۱۴۰۳-۱۴۰۲ درس دوواحدیِ اختیاریِ «درآمدی بر سیاست جنایی» برای دانشجویان کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی مقرر شده است. همچنین درس «سیاست جنایی» به ارزش دو واحد در مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، از درس اختیاری تبدیل به درس اصلی و الزامی شد. افزون بر تأسیس عناوین درسهای اختیاری تخصصی و اصلی پیشگفته، در سرفصل برخی از دیگر دروس نیز آموزش «سیاست جنایی» پیشینی شده است. برای نمونه، در صفحه شماره ۵۰ برنامه درسی اخیرالتصویب کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ذیل سرفصل درس «جرم‌شناسی»، شاهد درج عبارت «جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیک‌های کیفری» هستیم. عبارت «سیاست جنایی» ۷۷ مرتبه در برنامه درسی مذکور به کار رفته است و این بسامد نشانگر توجه کارگروه رشته حقوق شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به سیاست جنایی است. با تألیف کتب درسی جدید جهت تأمین محتوای آموزشی برای واحدهای درسی مذکور در تحصیلات تکمیلی حقوق جزا و جرم‌شناسی، میتوان دانش سیاست جنایی را ترویج نمود و سبک نوشتگان این دانش در ایران را ارتقا بخشید.

## منابع

- آرمند، محمد؛ ابوالحسنی چیمه، زهرا؛ خادمی، حمیدرضا. (۱۴۰۲). *استانداردهای کتاب درسی دانشگاهی*. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- اسفندیاری، محمد. (۱۴۰۱). *کتاب‌پژوهی؛ پژوهش‌هایی در زمینه کتاب و نقد کتاب*. تهران: نشر نی، چاپ اول.
- ایمان، محمدتقی؛ کلاته‌ساداتی، احمد. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی روش توسعه علوم انسانی در ایران*. فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۵(۱۹): ۲۷-۵۱.
- تقی‌زاده، مریم؛ نوبهار، رحیم؛ غلامی‌دون، حسین. (۱۳۹۸). *مبانی ارزیابی سیاست جنایی*. فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۹(۲): ۳۵۳-۳۷۱.
- توانا، محمدعلی؛ علی‌پور، محمود. (۱۳۹۴). *بدن، سوژه و تکنولوژی‌های خود: درس‌هایی از راه حل فوکویی برای جامعه امروز*. فصلنامه غرب‌شناسی بنیادی، ۶(۲): ۱-۲۱.
- جوادی، مجتبی؛ دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۷). *شناسایی و آسیب‌شناسی چهارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران*. نشریه راهبرد، ۲۷(۸۷): ۶۱-۸۶.
- خاقانی اصفهانی، مهدی. (۱۴۰۱). *دشواری تعامل نص و واقعیت در برساخت سیاست جنایی اسلامی*. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۳): ۷۹-۹۲.

دلماش مارتی، می‌ری. (۱۳۹۸). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی اسلام*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهارم.

رضاییان فردویی، صدیقه؛ فلاح، حسن؛ قاضی نوری، سیدسپهر؛ علی‌احمدی، علیرضا. (۱۳۹۳). مدل‌سازی رابطه کارکردهای مدیریت دانش و شاخص‌های عملکرد نظام ملی نوآوری، *فصلنامه راهبرد*، ۲۳(۷۱): ۱۶۷-۱۹۱.

سوریامورتی، آر. (۱۴۰۲). *علم‌سنجی برای علوم انسانی و اجتماعی*. ترجمه قاسم آزادی احمدآبادی و محمود سنگری، تهران: چاپار.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ سلیمی، صبا. (۱۳۹۴). تأثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۷(۲): ۳۵-۴۶.

شیری، عباس. (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری جنایی، از کنترل درونی تا کنترل بیرونی جرم. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۳): ۱۰۳-۱۲۱.

عرفان‌منش، محمدامین؛ مروتی اردکانی، مرضیه. (۱۳۹۵). مطالعه علم‌سنجی و تحلیل شبکه همکاری‌های علمی در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۸(۴): ۷۷-۵۵.

غلامی، علی. (۱۳۹۹). *دانشنامه سیاست‌گذاری حقوقی*. به کوشش لیلا جنیدی و امیرحسن نیازپور، تهران: انتشارات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ اول.

قاسمی، حمید؛ کشگر، سارا؛ ایزدپرست، لیلا. (۱۳۹۴). *روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب*. تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.

قاسمیان، امیر؛ اصنافی، امیررضا؛ عرفان‌منش، محمدامین. (۱۴۰۲). ارزیابی برون‌دادهای پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی در حوزه علوم اجتماعی و رفتاری با استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی و دگرسنجی. *پژوهشنامه علم‌سنجی*، ۹(۱): ۲۱۱-۲۳۰.

کوهی اصفهانی، کاظم؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ فرجیها، محمد. (۱۴۰۰). انتقال سیاست‌های کنترل جرم؛ انتقال داوطلبانه یا اجباری؟. *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۲۲(۲): ۶۰۵-۶۳۶.

ملک‌الکلامی، میلاد؛ حسن‌زاده، محمد؛ شریف، عاطفه؛ رزقی آهقی، منصور. (۱۴۰۲). تحلیل خوشه‌ای توسعه دانش در حوزه استخراج دانش در صنایع خدماتی. *پژوهشنامه علم‌سنجی*، ۹(۲): ۴۴۵-۴۷۰.

نصری، شهره. (۱۴۰۱). ضرورت تحول و بازاندیشی در حکمرانی و نقش‌آفرینی مؤسسه‌های پژوهشی دولتی کشور. *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۱۵(۴): ۱-۳.

نقره‌ای، مرتضی؛ امین‌خندقی، مقصود. (۱۴۰۱). الیهات برنامه درسی: نظروزی امکان یک دانش. *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۱۲(۲): ۵۶-۹۰.

نیوبورن، تیم؛ تریوور، جونز. (۱۳۹۴). *انتقال سیاست و عدالت کیفری؛ بررسی تأثیر آمریکا بر سیاست*

کنترل جرم بریتانیا. ترجمه محمد جوان‌بخت، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.

Anninosm, L.N. (2014). Research Performance Evaluation: Some Critical Thouths on Strandard Bibliometric Indicators. *Studies in Higher Education*, 39(9): 1542-1561.

Ball, R. (2018). *An Introduction to Bibliometrics: New Development and Trends*. Cambridge, M.A.: Chandos Publishing.

Chaudhari, R; Chavan, G; Vadalkar, S; Vrontis, D; Pereira, V. (2020). Two-decade bibliometric Overview of Publications in Journal of Management. *Journal of Knowledge Management*, 25(6): 1550-1574.

Lahikainen, J. (2016). Altmetrics in Social and Humanities: Possibilities, Challenges and Experiences. URL: <https://library.ifla.org/1356/>